

باسمه تعالی

شرح دعای روز بیست و سوم ماه رمضان از آیت الله مجتهدی

♦ متن و ترجمه دعای روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان:

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَ اَمْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ؛^۱

خدایا! در این روز مرا از گناهان پاکیزه گردان، از هر عیب و نقص پاک ساز و دلم را با رتبه دل‌های اهل تقوا آزمایش کن. ای پذیرنده عذر لغزش‌های گناه‌کاران!

« اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ؛

خدایا مرا از گناهان شستشو بده، شما وقتی می‌خواهید به مهمانی بروید، خودتان را پاکیزه و تمیز می‌کنید و شستشو می‌دهید، باید بدانیم که در ماه رمضان همه میهمان خداوند هستیم، آیا خودمان را از آلودگی‌های معنوی تمیز کرده‌ایم، آیا دل‌هایمان را از زنگار گناه شستشو داده‌ایم؟ «شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ»^۲ و شما میهمان سفره پر برکت الهی هستید و باید خودمان را برای این ضیافت آماده می‌کردیم تا با دلی پاک به این میهمانی برویم، لذا از خداوند می‌خواهیم که ما را از گناهان شستشو بده و لیاقت آن را بدهد که از این میهمانی استفاده کنیم.

اگر یک مرتبه با اخلاص از خدا بخواهید که شما را از آلودگی گناه پاک کند، خدا می‌پذیرد باید مثل کودکی که اشک‌ریزان نزد پدر می‌رود و طلب بخشش می‌کند، به محضر الهی رفت و عذرخواهی کرد.

« وَ طَهَّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ؛

خدایا مرا از عیب‌هایی که به آن مبتلا هستم پاک کن؛

غیبت، ریا، تکبر، عجب، حسد و... اینها همه عیب هستند، عمل معیوب مورد پذیرش درگاه الهی نیست.

^۱ بحار الأنوار، ج: ۹۵، ص: ۱۶۹.

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَ اَمْتَحِنْ قَلْبِي لِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ.

^۲ وسائل الشیعة، ج: ۱۰، ص: ۳۱۳.

عُبُودُ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرَانَ النَّقَّاشِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّانِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُعَاذِيِّ وَ مُحَمَّدَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُكْتَبِ كُلِّهِمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ [عليه السلام] قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ [صلى الله عليه و آله] خَطَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَ لَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ وَ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ.

♦ ارزیابی اعمال:

اعمال ما باید از هفت آسمان بالا برود و در هر آسمانی برای هر عیبی می‌گویند «قف» به معنی «ایست» و مأموران الهی در آسمان اول به نامه عمل ما نگاه می‌کنند و اگر دیدند امروز من غیبت کرده‌ام می‌گویند: بروید و «إِصْرِيُوا بِهَذَا الْعَمَلِ وَجْهَ صَاحِبِهِ» این عمل را بر صورت صاحب آن بزنید و عمل در آسمان اول متوقف می‌شود، عمل بعضی‌ها از آسمان اول می‌گذرد؛ چون اهل غیبت نبودند، ولی باز ملائکه آسمان دوم می‌گویند «قف» عمل را بررسی می‌کنند و متوجه می‌شوند که این شخص «عُجِب» داشته است، بعض دیگر اهل عُجَب هم نبوده‌اند و عمل به آسمان سوم می‌رسد و باز دستور به توقف می‌دهند و اگر آن شخص اهل «حسد» نبود به آن عمل اجازه می‌دهند که به آسمان چهارم برود و در آنجا برای رذیله «تکبر» عمل را متوقف می‌کنند، اگر اهل مراقبت نباشیم اموری مانند؛ ریاست، ثروت و علم تکبر می‌آورند.

♦ سیره امام رضا (علیه‌السلام):

در روایت آمده است؛ زمانی که حضرت علی بن موسی‌الرضا (علیهما‌السلام) میل به غذا داشتند تمامی غلامان را دعوت می‌کردند و با هم غذا می‌خوردند؛ شخصی گفت: یا علی بن موسی‌الرضا (علیهما‌السلام) این امور برای شما خوب نیست، چرا با فقرا غذا می‌خورید؟

حضرت فرمودند: همه ما اولاد حضرت آدم هستیم و تفاوت درجات انسان‌ها به تقوی است.^۳

در یکی از ایستگاه‌ها نیز توقف می‌کنی تا ببینند آیا این عملت از روی ریا بوده یا نه!

♦ مفهوم ریا به زبان ساده:

دلاکی عالمی را کیسه می‌کشید و در حین کیسه کشیدن از عالم پرسی: ریا یعنی چه؟

آن عالم گفت: همین که کیسه می‌کشی و می‌خواهی چرک‌های مرا به من نشان بدهی تا پول بیشتری بگیری، همین نشان‌دادن عمل را ریا می‌گویند (قدیم‌ترها وقتی کیسه می‌کشیدند، اگر چرک بیشتری درمی‌آوردند انعام بیشتری می‌گرفتند و این عالم می‌خواست با زبان خود این دلاک با او حرف بزند)

خلاصه در هر آسمانی، عمل را از یک‌جهت بررسی می‌کنند.^۴

^۳ الحیة با ترجمه احمد آرام، ج ۲، ص ۳۳۷.

الکافی عن عبد الله بن الصلت عن رجل من أهل بلخ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَاسَانَ فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَوْ عَزَلْتَ لَهُؤْلَاءِ مَائِدَةً! فَقَالَ: مَهْ! إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ، وَالْأُمُّ وَاحِدَةٌ، وَالْأَبُّ وَاحِدٌ، وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ. [الکافی: ۸ / ۲۳۰ / ۲۹۶].

ترجمه: عبدالله بن صلت گوید: مردی از مردم بلخ گفت: در سفر (امام) رضا «علیه‌السلام» به خراسان با او همراه بودم؛ روزی گفت تا سفره انداختند، و غلامان سیاه و غیر سیاه خود را به سر سفره دعوت کرد. به او گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که اینان بر سر سفره‌ای جداگانه بنشینند؟ گفت: «خاموش! که پروردگار همه یکی است، و مادر یکی، و پدر یکی، و پاداش به اعمال است».

^۴ از آنجایی که روایت حاوی مطالب زیبا و پر مغزی می‌باشد ترجمه متن کامل روایت ارائه می‌گردد، باشد که مطالعه این احادیث نورانی راه‌گشای کوره‌راه‌های زندگی انسانی باشد. (بحارالانوار، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۱، ص ۲۵۳)

مردی گوید به معاذ بن جبل گفتم:

برای من حدیثی را که خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ای وضبط نموده و هر روز متذکر آن هستی و از احادیث قابل دقت است بازگو نما

معاذ گفت:

بسیار خوب ولی شروع به گریه کرد گفتم خاموش شو و بگو سپس با صدای بلند گفت: پدر و مادرم فدای پیغمبر باد. روزی حضرت سوار بود و من هم در ردیف او بودم در اثنای که داشتیم می‌رفتیم حضرت نظر مبارک را به طرف آسمان افکند و گفت حمد و سپاس خدائی را سزد که آنچه بخواهد و دوست داشته باشد در باره مخلوق خود، فرمان داده و انجام می‌دهد. فرمود معاذ عرضه داشتم لایک ای رسول خدا و راهنمای خیر و خوبی و ای پیامبر رحمت فرمود مطلبی را که پیامبر بامت خود گوید برای تو می‌گویم که اگر این حدیث را ضبط کنی زندگی برایت سودمند است و اگر بشنوی و ضبط نکرده و مراعات ننمایی هیچ عذری در پیشگاه حق نخواهی داشت. سپس فرمود: خداوند متعال پیش از خلقت آسمان‌ها هفت فرشته آفرید و پس از خلقت آسمان‌ها که سراسر آنها را پرده‌ای از عظمت و جلال پوشانیده بود در هر یک از آنها ملائکه‌ای قرار داد و بر در هر آسمانی ملکی به‌عنوان دربان مقرر داشت و فرشتگان اعمال که تمامی عمل انسان را از صبح تا شب حفظ و ضبط می‌نمایند و می‌نویسند عمل بنده را به طرف عالم بالا می‌برند و این عمل مانند آفتاب می‌درخشد هنگامی که به آسمان اول می‌رسند از عمل بنده تعریف و تمجید می‌نمایند. فرشته دربان می‌گوید توقف کن و عبور نما و این عمل را به‌صورت صاحب بزن. من فرشته موکل به عینیت هستم هر کس غیبت کسی را نموده باشد نمی‌گذارم عملش از اینجا عبور نماید این مأموریتی است که پروردگار به من داده است.

فرمود: روز بعد که می‌شود فرشته نگهبان عمل باز عمل بنده را بالا می‌برد و با ترکیه و تمجید عمل را از آسمان اول عبور می‌دهد و به آسمان دوم می‌رسد در آن هنگام فرشته دربان اخطار توقف نموده و می‌گوید این عمل را برگردان و به‌صورت صاحبش بزن؛ زیرا منظور صاحب عمل انگیزه دنیوی بوده و من مأمور بازرسی اغراض دنیوی اعمال هستم و نمی‌گذارم این عمل از اینجا عبور کند. حضرت فرمود: سپس مجدداً عمل بعدی را با کمال سرور و خوشحالی بالا می‌برد (از قبیل صدقه و انفاق و نماز) و نگهبانان عمل خوشحال‌اند و می‌رود تا آسمان سوم. آن فرشته دربان می‌گوید بایست و این عمل را بر پشت و صورت صاحبش بزن من فرشته مأمور متکبران هستم. این شخص با این عمل بر دیگران تکبر نموده و در مجالس خود را برتر از آنها دید پروردگار من فرمان داده که نگذارم چنین عملی از اینجا عبور نماید و فرمود:

حافظان عمل باز هم عمل دیگر بنده را که مانند ستاره درخشان نورانی و روشن است و صدای تسبیح از او می‌آید و روزه و حجتش پیدا است بالا می‌برند تا آسمان چهارم آن فرشته دربان می‌گوید توقف کن و این عمل را به‌صورت و شکم صاحبش بزن. من فرشته عجب و خودبینی هستم این شخص با این عمل به خود خوش‌بین شده و به خود می‌بالید پروردگار من دستور داده که مانع از عبور چنین عمل بشوم این عمل را به‌صورت صاحبش بزن.

فرمود: ملائکه اعمال عمل بنده را که در کمال آراستگی و زینت است؛ مانند عروسی که آرایش و آراسته شده بالا می‌برد با جهاد و نماز و نوافل ما بین نمازهای واجب و آثار ناله و تضرع چون ناله شتر از آن عمل پیدا است و مانند آفتاب می‌درخشد تا به آسمان پنجم می‌رسد فرشته دربان فرمان توقف داده و می‌گوید من مأمور بازرسی اعمال حسودان هستم برگرد و این عمل را به‌صورت صاحبش بزن و بر کول او بارکن که این شخص بر کسانی که علم و دانش فرامی‌گرفتند و برای خدا اعمال را انجام می‌دادند حسد ورزیده و رشک می‌برد و اگر در کسی امتیاز و فضیلتی در عمل و عبادت می‌دید ناراحت شده و حسادت می‌نمود و غیبت و تهمت بر او می‌زد و این فرشته عمل آن شخص را بر دوش او باز می‌نماید و همین عمل صاحبش را لعنت می‌کند. فرمود: باز عمل را بالا برده تا آسمان ششم فرشته دربان می‌گوید توقف کن من مأمور بررسی رحمت و مهربانی صاحب اعمال هستم این عمل را به‌صورت صاحبش بزن و چشمش را نابود کن چون این شخص محبت و رأفتی ندارد اگر بنده‌ای از بندگان خدا در اثر لغزش گناهی را مرتکب می‌شد و یا اتفاق ناگوار و مصیبت و زیانی برای او رخ می‌داد این شخص بجای نصیحت و همدردی آن طرف را سرزنش و شماتت می‌نمود. پروردگار من فرمان و دستور داده که نگذارم عمل چنین اشخاصی از اینجا عبور کند. فرمود: ملائکه اعمال دیگر را که توأم با فقه و فقاقت و کوشش کامل و توأم با ورع و تقوی است بالا می‌برد و این عمل صدای رعد آسا و نور و روشنائی همچو برق درخشان دارد و سه هزار فرشته همراه او هست و تمام آسمان‌های شش‌گانه و درجات و مراتب را پیموده تا به آسمان هفتم می‌رسد.

ناگهان فرشته آسمان هفتم اخطار توقف داده و دستور می‌دهد که این عمل را به‌صورت صاحبش بزن من مأمور بازرسی حجاب اعمال هستم هر عملی که بین آن و خدا حجابی باشد و در آن انگیزه غیر خدا باشد برمی‌گردانم صاحب این عمل منظورش این عمل بود که با این عمل ارتقای مقامی در نظر فرماندهان به دست آورد و نام بلندی در مجالس و محافل کسب کند و شهره آفاق گردد پروردگار بزرگ به من دستور داده هر عملی که خالص برای او نباشد بازگردانم و مانع از عبور آن شوم. فرمود: سپس ملائکه عمل بنده را از قبیل اخلاق نیک و سکوت و ذکر فراوان (همه‌گونه عبادت) با کمال خوشحالی بالا می‌برد و تمام ملائکه هفت آسمان در مشایعت آن عمل هستند و مراحل هفت‌گانه را گذر کرده و می‌پیمایند تا به حریم خداوندی رسیده و همگی آنها به اعمال صالحه و دعا و مناجات این شخص گواهی می‌دهند؛ ولی خداوند متعال می‌فرماید: ملائکه من شما فقط حافظ و نگهبان عمل هستید؛ ولی من به اعماق دل او و خاطرات و نیات پنهان او آگاه و مراقبم در این عمل هدف حقیقی او من نبوده‌ام (انگیزه‌های درونی گاهی به‌گونه‌ای است که فرشتگان او را دانسته و بر او آگاه‌اند و گاهی به‌طوری مخفی و پنهان و در باطن قرار گرفته که فرشتگان به آن مرحله از ریا آگاهی ندارند؛ بلکه ممکن است طوری باشد که خود انسان هم آگاهی کامل به او نداشته باشد فقط در بعضی از مواقع بحرانی و روی داده‌های شدید و فوق‌العاده و یا در عالم رؤیا و نظایر آن انسان می‌تواند به آن ضمیر سر و باطن باطن راه یابد؛ اما خداوند عالم‌السر و الخفیات به تمام اسرار و رموز باطن و حالات و کیفیات درونی کاملاً آگاه و مطلع است) لعنت من بر این شخص باد ملائکه هم می‌گویند خدایا لعنت تو و لعنت ما بر او باد. راوی

خدایا از تو می‌خواهیم عمل ما را قبول کنی و اگر دنبال عمل خالصی مثل اعمال امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌گرددی این حسرتی است که بر دل می‌ماند!

♦ انواع بندگی:

بندگی خدا سه قسم است: نوع اول، از ترس جهنم است، و گاهی به طمع بهشت است، و نوع سوم؛ «تعظیماً لله» است؛ چون خداوند شایسته پرستش است باید او را بزرگداشت.^۹

«وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ»

خدایا قلب و دل مرا آزمایش کن به تقوی دل نه زبان؛

ممکن است زبان ما حرف از تقوی بزند؛ ولی قلب و دل ما از آن بی‌خبر است و بهره‌ای از تقوی نداشته باشد، شخصی صد میلیون تومان در جاده پیدا کرد و آن را به صاحبش برگرداند این مسائل از آثار تقوی است.

♦ معنی تقوی:

دین چراغ‌قرمز و سبز دارد، چراغ‌قرمز مرز حرام است و چراغ‌سبز محدوده مباحات است؛ تقوی یعنی از چراغ‌قرمزها عبور نکن.

رعایت چراغ‌قرمزها هم دو نوع است گاهی راننده به‌خاطر ترس از جریمه ترمز می‌کند و گاهی به‌خاطر احترام به قانون مملکت که دومی افضل است.

حدیث می‌گوید معاذ بن جبل سخت‌گریست و سپس گفت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله عرضه داشتم یا رسول الله با این وضع من چه کنم و چگونه عمل نمایم؟ فرمود: معاذ به پیامبر خود تأسی و اقتدا کن در داشتن حالت یقین گفتم چطور ممکن است؟ چون شما رسول خدا هستید؛ ولی من معاذ بن جبل یک فرد و عادی عامی فرمود اگر در عملت کوتاهی داری و آن طور که باید نمی‌توانی عمل کنی برنامه زندگی را چنین تنظیم کن که زیانت را از انتقاد برادران دینی حفظ کن و همچنین از حمله قرآن و افرادی که اهل قرآن‌اند و همیشه به گناه خود اعتراف داشته باش و گناه را به گردن دیگران مینداز و با نكوهش دیگران خود را تزکیه و تصفیه مکن و با کوچک کردن و تحقیر دیگران خود را بزرگ بشمار و ریا و خودنمایی را در اعمال خود وارد نکن و در اعمال اخروی انگیزه دنیوی را راه مده و فحش و ناسزا به مردم مگو که مردم از تو روی گردان شده و در نتیجه خیرات و عوائد دنیوی از دستت می‌رود و پرده‌داری مکن که سگ‌های دوزخی تو را می‌درند خداوند متعال می‌فرماید وَ النَّاسِطَاتِ نَسْطًا درندگان و درهم‌شکنندگان می‌دانی ناشطات یعنی چه؟ یعنی سگان دوزخی که گوشت و استخوان را دریده و در هم می‌شکنند عرض کردم یا رسول الله چه کسی می‌تواند این برنامه را داشته باشد؛ چون مراقبت به این صفات بسیار مشکل و دشوار است فرمود چنین نیست کسی که توفیق الهی شامل حال او باشد برای او خیلی سهل و آسان است راوی حدیث می‌گوید معاذ بن جبل این حدیث را همیشه بازگو می‌کرد و بیشتر از قرآن می‌خواند.

کافی ج: ۲، ص: ۸۴.

عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [عليه‌السلام] قَالَ إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفًا فَبَلَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَبَلَكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبًّا لَهُ فَبَلَكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

ترجمه: گروهی خدا را عبادت می‌کنند از روی علاقه و میل (به نعمت‌های بهشت) این عبادت تجار است و گروهی نیز از روی ترس عبادت می‌کنند این عبادت بردگان است و گروهی او را عبادت می‌کنند به جهت سپاس نعمتش این عبادت آزادمردان است که افضل عبادات است.

﴿ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ ﴾

ای خدایی که همه لغزش‌های گنهکاران را اقاله می‌کنی؛

♦ معنای اقاله:

جنسی را که از کاسب خریدی و می‌خواهی پس بدهی، مستحب است که فروشنده از مشتری پس بگیرد به این عمل اقاله گویند.

اقاله در مورد خداوند یعنی؛ خدایا گناهان ما را رایگان ببخش.